



مرکز تحقیقات اسلامی

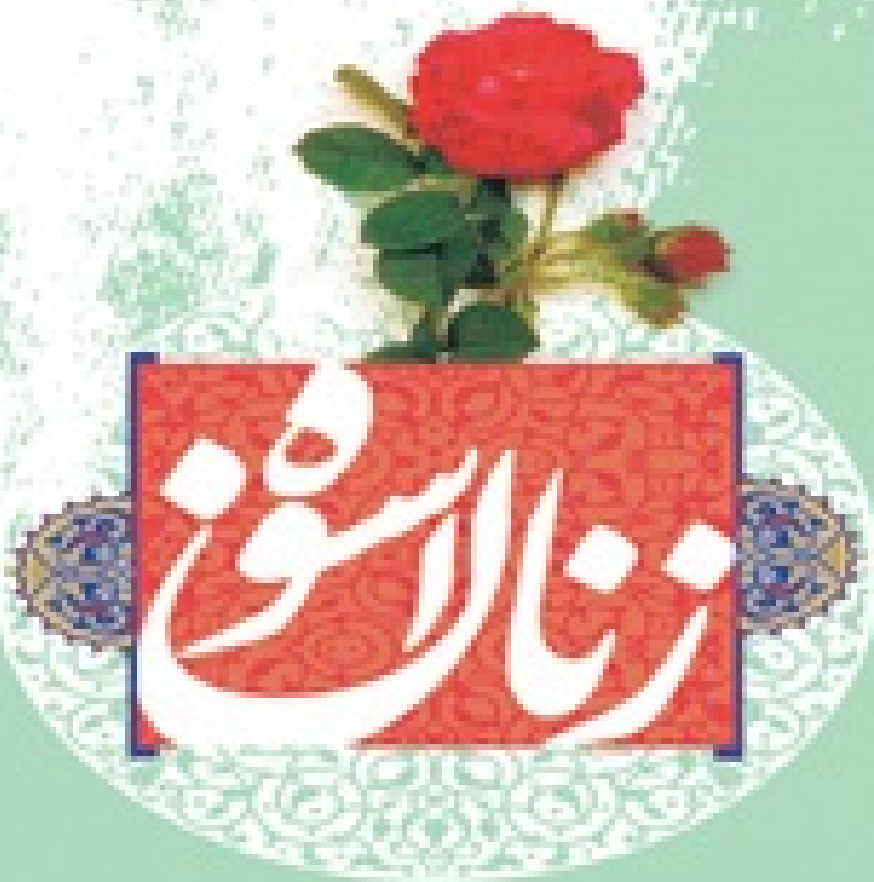
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



اسماء بنت عمیس

پہلی بار شریعتی اور تاریخی طور پر

ڈاکٹر حسین حسرتی کی تصنیف
 مکتبہ اہلسنت، ممبئی، بھارت اور دارالحدیث، لاہور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسماء بنت عمیس علیها السلام (همسر گرامی امیر مومنان علیه السلام)

نویسنده:

حسین حسینیان مقدم

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	اسماء بنت عمیس علیها السلام (همسر گرامی امیر مومنان علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	دیباچه
۱۴	مقدمه
۱۶	نام
۱۸	اسماء در مکه
۲۲	هجرت به حبشه
۲۴	تشابه اسمی و اشتباهات تاریخی
۲۸	هجرت به مدینه
۳۲	در سوگ جعفر (ع)
۳۶	ازدواج با ابوبکر
۴۰	اسماء در عصر خلافت
۵۰	ازدواج با امام علی (ع)
۵۲	وفات
۵۴	نقش فرهنگی سیاسی اسماء
۶۴	کتابنامه
۷۱	درباره مرکز

اسماء بنت عمیس علیها السلام (همسر گرامی امیر مومنان علیه السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینیان مقدم، حسین

عنوان و نام پدید آور : اسماء بنت عمیس علیها السلام (همسر گرامی امیر مومنان علیه السلام) / حسین حسینیان مقدم؛ [تهیه و تنظیم] مرکز تحقیقات حج و زیارت، گروه تاریخ و سیره.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۶۶ص.

فروست : زنان اسوه؛ ۶.

شابک : ۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۶۵-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : اسماء بنت عمیس، - ۴۴۰ق.

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج. گروه تاریخ و سیره

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ / الف-ح ۵ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۰۹۹۹۴

ص: ۱

اشاره

دبیاچه

ص: ۷

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی (علیهم السلام) به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های تربیتی و اساسی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد، از این رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای

ص: ۸

ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال بانوی گرامی اسلام، اسماء بنت عمیس همسر گرامی امیر مؤمنان است. در پایان مرکز تحقیقات لازم می‌داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای حسین حسینیان مقدم و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

مقدمه

«اسماء» دختر عَمَیس، از بانوان مشهور جهان اسلام است که گرایش او به خاندان رسول خدا (ص) نامش را پرآوازه‌تر کرده است. او زن آزاده‌ای است که با داشتن دانش‌هایی همچون طبابت، صنعتگری و تعبیر خواب، حاضر به فخرفروشی نشد، بلکه همواره در خدمت هم‌نوعان بود؛ گاهی فرزند دیگران را شیر می‌داد، برخی اوقات به پرستاری از دردمندان مشغول می‌شد و در هنگام ضرورت، به غسل و تدفین زنان و دختران می‌پرداخت. این بانوی مکرمه الگویی مناسب برای همه زنان آزاده و مسلمان است که ورود به عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی را به دو اصل دین‌مداری و عشق‌ورزی به همسر و فرزند پیوند داده‌اند؛ زنانی که خلاقیت، ابتکار و نوآوری را در عرصه فرهنگ و تمدن، با پایبندی به نهاد خانواده

ص: ۱۰

و حفظ ارزش‌های اسلامی منافی نمی‌دانند؛ کسانی که با اراده‌ای پولادین سختی‌ها را به زنجیر کشیده و از هر حرمانی نردبان ترقی می‌سازند.

اسماء در شمار معدود زنانی است که خود را مزین به این ویژگی‌ها نمود و از آنها فقط برای خدمت به دین و استحکام پایه‌های خانواده استفاده کرد.

در این اثر کوشیده‌ایم تا گوشه‌ای از زوایای زندگی این بانوی بزرگوار را ترسیم کنیم. امید است که برای زنان جامعه اسلامی قابل استفاده باشد.

ص: ۱۱

نام

نام اسماء از نام‌های عربی است که سیبویه و پیروانش آن را برگرفته از «وُسَمَاء» به معنای زیباروی و برخی دیگر مانند مُبَرِّد، آن را جمع اسم و «سَمِیَّه» را تصغیر شده آن می‌دانند. (۱) برخی صحابه نگاران، اسماء را نامی مشترک میان زنان و مردان می‌دانند (مانند اسماء بن حَکَم و اسماء بن عبید) و می‌گویند: «اسماء اگر نام زن باشد، برگرفته از وُسَمَاء و اگر نام مرد باشد، جمع اسم است». (۲)

۱- تاج العروس، زبیدی، ج ۱۷، ص ۷۲۷ و ر. ک: ج ۱۹، ص ۵۴۰.

۲- همان.

ص: ۱۳

اسماء در مکه

از شرح حالِ اسماء بنت عمیس قبل از اسلام اطلاعی در دست نیست. درباره نام پدر وی اختلافی وجود ندارد، اما اینکه «عَمِیس» فرزند مَعَد یا نعمان باشد، محلّ اختلاف است. نام مادر اسماء را «خَوْلَه» یا «هِنْد» دختر عَوْف بن زُهَیْر گفته‌اند و بنابر تصریح ابن سعد (۱)، خَوْلَه همان هِنْد است. نسب اسماء از طرف پدر و مادر به قبایل یمنی می‌رسد، ولی برخی «خَنْعَم» را از قبایل ملحق به عدنانیان دانسته‌اند. (۲) مادر وی را به اعتبار انتسابش به منطقه «جَرْش» واقع در یمن، یا به لحاظ اینکه «جَرْش بن اسلم» از

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۲۱۹.

۲- ر. ک: التنبیه والاشراف، مسعودی، ص ۲۲۸؛ معجم قبایل العرب القدیمة والحدیثة، عمر کَحّاله، ج ۱، ص ۲۳۱.

ص: ۱۴

اجداد وی بوده است، جُرّشی می‌نامیدند (۱) و به اعتبار دامادهایش برترین زن جهان می‌دانستند. (أَكْرَمُ النَّاسِ أَحْمَاءً يَا أَصْهَارًا) رسول خدا (ص)، امیر المؤمنین (ع)، جعفر بن ابی طالب، حمزه سیدالشهداء، عباس بن عبدالمطلب، و دیگران دامادهای هند مادر اسماء بودند. به گفته برخی ولید بن مغیره مخزومی (پدر خالد بن ولید) نیز داماد هند بود که در این صورت اسماء بنت عمیس، خاله خالد بن مغیره خواهد شد. (۲) گویند شانزده نفر از زنان صحابی، خواهران پدری یا مادری وی بودند. میمونه دختر حارث بن کعب که افتخار همسری رسول خدا (ص) را داشت، در شمار خواهران مادری وی بود. به احتمال زیاد اسماء در سال‌های نخستین بعثت به ازدواج جعفر درآمده باشد. این دو با وجود سختی‌های فراوان و دوری از وطن از زوج‌های خوشبخت شمرده شده‌اند. (۳) اسماء قبل از ورود مسلمانان به «دارالرقم» ایمان آورد و با رسول خدا (ص)

۱- معجم ما استعجم، عبدالله بکری، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، صص ۱۱ و ۱۲؛ الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۹۱۵ و مقایسه شود با طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۱۷.

۳- الفاصل، مُبَرَّد، ص ۱۱۷.

ص: ۱۵

بیعت کرد. پیامبر خدا (ص) اسماء را از زنان بهشتی (۱) خواند و بر صدق ایمان او شهادت داد و از وی و خواهرانش با تعبیر خواهران مؤمن (۲) یاد کرد. امام صادق (ع) او را در شمار هفت خواهر اهل بهشت نام برد و برای آنان دعا کرد. (۳) این دعا نشان می‌دهد که اسماء تا پایان زندگی بر ایمان خود استوار بود و هیچ‌گاه در لغزش‌گاه‌های فکری و سیاسی نلغزید.

۱- طرائف، ابن طاووس، ص ۲۴۹.

۲- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۰۹.

۳- خصال، صدوق، ص ۳۶۳.

ص: ۱۷

هجرت به حبشه

او در سال پنجم بعثت به همراه شوهرش، جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت نمود و در آنجا سه فرزند به نام‌های عبدالله، محمد و عون به دنیا آورد. (۱) عبدالله نخستین فرزند آنان و نخستین مولود مسلمان در حبشه بود. فرزند نجاشی نیز هم‌زمان با فرزند جعفر به دنیا آمد و نجاشی به دلیل دوستی‌اش با جعفر نام فرزند خود را عبدالله نامید.

اسماء علاوه بر فرزند خود، فرزند نجاشی را نیز شیر داد که این مطلب نشان از جایگاه و منزلت اسماء نزد نجاشی و درایت و تلاش اسماء در جهت برقراری رابطه و استحکام آن میان پادشاه حبشه و مهاجران مسلمان دارد. آنچه این دوستی را پایدارتر

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۱۹.

ص: ۱۸

می کرد، آن بود که فرزند نجاشی و عبدالله بن جعفر برادران رضاعی بودند و آنان پیوسته با یکدیگر ارتباط داشتند. از شواهدی که دلالت بر این دوستی پایدار می کند. زمانی بود که یکی از فرماندهان تحت امر نجاشی بر ضد او شورید، ولی او برای تأمین امنیت جعفر و همراهان مهاجرش، آنان را به محل امنی منتقل کرد. (۱) اسماء افزون بر فرزند نجاشی، «محمد بن حاطب جُمحی» را نیز شیر داد. محمد در حبشه یا اندکی پیش از ورود به حبشه به دنیا آمد و پدرش را خیلی زود از دست داد. او نخستین مولودی بود که در اسلام «محمد» نامیده می شد و اسماء که برای حفظ روابط عاطفی و ارتقای روحیه پایداری در میان مهاجران از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرد، محمد را شیر داد و در اقدامی برابر، امّ جمیل (مادر محمد) نیز عبدالله فرزند اسماء را شیر داد. (۲)

۱- السیره الحلبیه، حلبی، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲- رک: الاستیعاب، ج ۳، ص ۸۸۰ و ۱۳۶۹؛ الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر، ج ۶، ص ۸.

تشابه اسمی و اشتباهات تاریخی

اسماء تا سال هفتم هجری، در حبشه بود و در مراسم ازدواج و عروسی فاطمه (س)، که در سال دوم هجرت بود و همچنین در مراسم تولد امام حسن (ع) و امام حسین (ع) شرکت نداشت. با این حال روایاتی در منابع شیعی و سنی مبنی بر حضور وی در این مراسم وجود دارد، که صحیح نیست. اما در اینکه چه کسی در آن مراسم بوده و چگونه نام وی با اسماء اشتباه شده، اختلاف است. اربلی از «سَلَمی» همسر حمزه و خواهر اسماء نام می‌برد و ریشه این اشتباه را شهرت اسماء یا اشتباه راویان می‌داند. (۱) اما برخی دیگر

۱- کشف الغمه، اربلی، ج ۱، ص ۳۷۶. از دیگر مواردی که نام این دو خواهر با یکدیگر خلط شده آن است که برخی به اشتباه اسماء بنت عمیس را همسر حمزه بن عبدالمطلب و مادر امامه از حمزه گفته‌اند. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵.

ص: ۲۰

معتقدند اسماء دختر یزید بن سَیِّکَن انصاری در این مراسم شرکت داشت، ولی تشابه اسمی، شهرت بنت عمیس و احتمال دوستی و ارتباط وی با فاطمه (س)، راویان را در دوره‌های پسینی، به اشتباه انداخته است. از آنجایی که کنیه اسماء دختر یزید بن سَیِّکَن نیز اَمَّ سَلَمَه بوده، این اشتباه درباره اَمَّ سَلَمَه (همسر رسول خدا (ص)) نیز تکرار شده و آورده‌اند که وی در آن مراسم شرکت داشته است. (۱) حضور اسماء بر بالین حضرت خدیجه (س) در آخرین لحظات زندگانی‌اش (سال دهم بعثت) (۲) و شرکت اسماء در مراسم عروسی عایشه (اندکی پس از هجرت) (۳) نیز با همان مشکل پیش گفته روبه‌روست. (۴) به نظر می‌رسد نام اسماء بنت سَیِّکَن با اسماء بنت عُمَیس، در روایت خروج دَجَال نیز خلط شده است. در یک روایت رسول خدا (ص) اسماء بنت عُمَیس را و

۱- برای مطالعه بیشتر ر. ک: الصحيح من سیره النبی الاعظم، مرتضی عاملی، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲- کشف الغمّه، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳- مسند احمد، احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۳۸؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۴، ص ۱۵۶.

۴- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۷۳.

ص: ۲۱

در روایات متعددی اسماء بنت سَیِّدِن را از حاکمیت کسی آگاه کرد که بر زمین مسلط شده، پیروانش را اطعام و مخالفانش را محروم خواهد کرد. اسماء با شنیدن این خبر از فتنه آن روز نگران شد و پیامبر (ص) برای رفع این نگرانی فرمود: خداوند مؤمنان را حفظ خواهد کرد. (۱) همچنین نام اسماء دختر عُمَیْس با اسماء دختر ابوبکر، در خبر مالک بن انس (۲) خلط شده است. خبری که آن را محمد بن اسحاق از فاطمه دختر مُنذر بن زبیر و او نیز از اسماء دختر عُمَیْس نقل کرده است، در حالی که فاطمه از راویان اسماء دختر ابوبکر (همسر زبیر) است. نسبت خانوادگی فاطمه دختر منذر با همسر زبیر نیز می‌تواند شاهی بر احتمال این اشتباه باشد.

نمونه دیگری از این دست اشتباهات در تطبیق «امرأه من خثعم» با اسماء بنت عُمَیْس خثعمی است. ابن نجیم (۳) برخلاف دیگر منابع، در بیان روایت حج نیابتی تصریح کرده که مراد از زن خثعمی در سند این

- ۱- المعجم الکبیر، ج ۲۴، صص ۱۵۷ - ۱۶۱ و رک: مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، ج ۷، ص ۳۴۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، کورانی، ج ۲، ص ۸۳.
- ۲- مدونه الکبری، مالک بن انس، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۳- البحر الرائق، ابن نجیم، ج ۳، ص ۱۱.

ص: ۲۲

روایت، اسماء بنت عُمیس است که در آن حکم نیابت حج را برای پدر پیرش از رسول خدا (ص) پرسیده است. در حالی که هیچ خبری دلالت بر مسلمان بودن، صحابی بودن یا حتی زنده بودن پدر اسماء در عصر رسول خدا (ص) ندارد.

ص: ۲۳

هجرت به مدینه

اسماء در سال هفتم هجری و هم‌زمان با فتح خیبر، همراه با جعفر و دیگر مهاجران حبشه، به مدینه بازگشت. رسول خدا (ص)، ابورافع را به استقبال آنان فرستاد و امام علی (ع) نیز مقداری خوراکی و نوعی روغن توسط ابورافع برای اسماء فرستاد تا هم فرزندان جعفر را اطعام کند و هم با آن روغن بوی ناخوش دریا را از بدن آنان بزدايد. (۱) او در بازگشت به مدینه، به منزل زنان رسول خدا (ص) رفت و درباره اوضاع و حوادث گذشته با آنان گفت‌وگو کرد. او می‌خواست بداند آیا آیه‌ای به طور مستقل درباره زنان نازل شده است یا نه. وقتی که فهمید هیچ آیه‌ای زنان را به طور مستقیم مورد خطاب

۱- النهایه، ابن اثیر، ج ۳، ص ۵۲.

ص: ۲۴

قرار نداده است، نزد رسول خدا (ص) رفت و گفت: چرا زنان در ردیف مردان یاد نمی‌شوند؟ آنان همواره در ضرر و زیان هستند. پس از این گفت‌وگو بود که آیه **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... اَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** (احزاب: ۳۵) نازل گردید (۱) و از زنان در ردیف مردان یاد شد.

روزی اسماء در منزل حفصه (همسر رسول خدا (ص)) بود که عمر بن خطاب وارد شد. عمر با دیدن اسماء به اقامت طولانی آنان در حبشه اعتراض کرد و در واقع طول اقامت آنان را نوعی فرار از سختی‌ها شمرد و بدین سبب آنان را از شمار مهاجران نخستین بیرون دانست و در شمار حبشی‌ها قرار داد و با خطاب «یا حبشیه» به اسماء گفت: «ما در هجرت بر شما پیشی گرفتیم و به رسول خدا (ص) از شما سزاورتریم».

اسماء از این سخن برآشفت و گفت:

زمانی که ما ترس، دوری و غربت را تحمل می‌کردیم، شما در کنار رسول خدا (ص) بودید، ایشان گرسنگان شما را سیر می‌کرد و ناآگاهان شما را تعلیم می‌داد.

اسماء سوگند یاد کرد که از وی نزد رسول خدا (ص)

۱- اسباب النزول، واحدی، ص ۲۴۰؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۸، ص ۳۵۳.

ص: ۲۵

شکایت خواهد کرد. تعبیرهای «انَّ رِجَالًا يَفَخَّرُونَ عَلَيْنَا» و «انَّ لَهُ وَاَصْحَابِهِ» در کلام اسماء، نشان می‌دهد که عده‌ای از مهاجران مکی نیز عمر را در این اعتراض همراهی می‌کردند. رسول خدا (ص) با ناروا خواندن سخن عمر، فرمود: «عمر از شما به من، سزاوارتر نیست. برای شما دو هجرت و برای او و یارانش یک هجرت است». (۱) اسماء و جعفر در سال هفتم و پس از ماجرای «عمره القضا»، سرپرستی عماره را به عهده گرفتند. او دختر حمزه از سلمی خواهر اسماء بود، که پس از شهادت پدرش در جنگ اُحُد تنها و بدون سرپرست ماند. امام علی (ع) در این باره با رسول خدا (ص) گفت‌وگو کرد و او را به مدینه آورد. در سرپرستی او میان حضرت علی (ع)، زید بن حارثه و جعفر اختلاف شد. رسول خدا (ص) نیز به این دلیل که اسماء خاله عماره است، به نفع جعفر داوری کرد. (۲) جعفر از شدت خوشحالی به سمت رسول خدا (ص) خیز برداشت و آن را احترام حبشیان برای پادشاهانشان وصف کرد. (۳)

۱- طبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۲- همان، صص ۱۲۶ و ۲۲۳.

۳- همان، ج ۴، ص ۲۶.

ص: ۲۷

در سوگ جعفر (ع)

اسماء در سال نهم شوهر خود، یعنی جعفر را از دست داد. در برخی روایات چنین آمده که، رسول خدا (ص) پس از آنکه جعفر در سرزمین مُیؤه (منطقه‌ای در ۱۲۰ کیلومتری جنوب «عمان»، پایتخت «اردن») به شهادت رسید، به خانه اسماء آمد، با فرزندان وی مهربانی کرد و آنها را نوازش نمود. اسماء از این کار متوجه یتیمی فرزندانش شد. رسول خدا (ص) از عقل و تیزهوشی اسماء به شگفت آمد و او را از شهادت جعفر آگاه کرد. اسماء در مرگ شوهرش گریه می کرد و صیحه می زد. حضرت فاطمه (س) نیز بر جعفر می گریست و فریاد «واعمّاه» سر می داد. رسول خدا (ص) فرمود: «گریه کنندگان بایستی بر مثل جعفر گریه کنند». اما در عین حال اسماء را به صبر دعوت کرد و او را از تندگویی و به سینه کوفتن نهی کرد و برای تسلی

ص: ۲۸

خاطرش فرمود: «جبرئیل برای جعفر دو بال در بهشت از یاقوت قرار داده است». حضرت فاطمه (س) به فرمان رسول خدا (ص) به مدت سه روز نزد اسماء ماند و برای خانواده عزادار جعفر، غذا فراهم می‌کرد. از این رو در میان مسلمانان سنت شد که سه روز به خانواده عزادار غذا بدهند. (۱) همچنین پیامبر به اسماء دستور داد سه روز صبر کند (لباس سیاه بپوشد)، سپس هرچه می‌خواهد، انجام دهد. (۲) اسماء در سوگ شوهر خود مرثیه‌ای خواند که نشان از تأمین آرامش زن در پناه شوهر و بیان عمق احساس زن در فقدان شوهر است. او گفت (۳):

قَدْ كُنْتُ لِي جَبَلًا أَلُوذُ بِظِلِّهِ فَتَرَكْتَنِي امْشِي بِاجْرَدٍ ضَاحِي
 قَدْ كُنْتُ ذَاتَ حَمِيَّةٍ مَا عَشْتُ لِي امْشِي الْبَرَّازَ وَأَنْتَ كُنْتَ جَنَاحِي
 فَالْيَوْمَ اخْشَعُ لِلذَّلِيلِ وَأَتَّقِي مِنْهُ وَأَدْفَعُ ظَالِمِي بِالرَّاحِ

۱- المحاسن، برقی، ج ۲، صص ۴۱۹ و ۴۲۰؛ طبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۲۰ و ر. ك: الكافي، كليني، ج ۳، ص ۲۱۷؛ من لا يحضره الفقيه، صدوق، ج ۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲- طبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۲۰؛ سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳- شرح الأخبار، قاضي نعمان، ج ۳، ص ۲۰۷.

ص: ۲۹

رسول خدا (ص) به اسماء آموخت تا برای رفع هرگونه غم و اندوه و سختی و بیماری این دعا را بخواند: «اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» تا گرفتاری وی برطرف شود. اسماء نیز این دعا را به فرزندش عبدالله تعلیم داد و تأکید داشت که دعا را با دوگوش خود از رسول خدا (ص) شنیده‌ام. همچنین آن حضرت برای دفع چشم‌زخم از فرزندان اسماء نیز دعایی بر آنان خواند و فرمود: «نصف قبرهای حفر شده برای امت من در اثر چشم‌زخم است». (۱) اسماء از زنان آشنا به صنعت دباغی و چرم‌سازی نیز بوده است. به روایت نواده‌اش «ام‌جعفر» در صبحِ روزی که جعفر به شهادت رسید، اسماء چهل پوست را دباغی کرده بود. (۲)

۱- المعجم الكبير، ج ۲۴، صص ۱۴۲ و ۱۵۴.

۲- طبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۲۰.

ص: ۳۱

ازدواج با ابوبکر

اسماء به هنگام جنگ حنین، با ابوبکر ازدواج کرد و به گفته ابن ابی هلال، رسول خدا (ص) وی را به تزویج ابوبکر در آورد. این ازدواج مستند فتوای برخی شد که مسلمان نمی‌تواند در «دارالحرب» حتی با زن مسلمان ازدواج کند، مگر آنکه در لشکر مسلمانان باشد. (۱) بنابراین گزارش و فتوا، اسماء در فتح مکه و جنگ حنین حضور داشته است. به گفته ابن کثیر (۲)، ابوبکر برای جشن و ولیمه عروسی، مردم را دعوت کرد. نقل شده که خانه ابوبکر مقابل خانه عثمان در کوچه بقیع و خانه‌ای دیگر کنار مسجد مدینه داشت (۳) که اسماء بنت عمیس در آن

۱- المغنی، ابن قدامه، ج ۱۰، ص ۵۱۱.

۲- البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۴، صص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۳- تاریخ المدینة المنورة، ابن شَبَّه، ج ۱، ص ۲۴۲.

ص: ۳۲

می‌زیست (۱) و بعدها در اختیار آل مَعْمَر قرار گرفت. (۲) اسماء در سال دهم هجری قمری در حجة‌الوداع شرکت کرد و چهار روز مانده به ابتدای ماه ذیقعدة، محمد بن ابی‌بکر را در «ذی‌الحلیفه» یا «بیداء» به دنیا آورد. او به فرمان پیامبر (ص) غسل کرد و از همان جا مُحَرَّم شد. (۳) این روایت مستند حکم فقهی احرام و عبادت زنی است که نفاس دارد. (۴) اسماء از نزول آیه اکمال الیوم أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ (مائده: ۳) در غدیر خم نیز خبر داده و می‌گوید:

در میان راه بودیم که جبرئیل بر رسول خدا (ص) نازل شد و مرکب سواری آن حضرت در اثر فشار وحی، زانو زد و من با پارچه‌ای که داشتم آن حضرت را پوشاندم. (۵)

طبق روایت اسماعیل کثیرالنواء، ابوبکر برای شرکت در نبردی از مدینه بیرون رفت. اسماء وی را در خواب دید که خضاب کرده و لباس‌های سفید

۱- تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷.

۲- طبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰.

۳- همان، ج ۸، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۴- ر. ک: من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۰؛ الصحيح من سیرة النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۷۲؛ الام، شافعی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۵- جامع البیان، طبری، ج ۶، ص ۱۰۶.

ص: ۳۳

پوشیده بود. عایشه در تأویل این خواب، خضاب را به خون و لباس‌های سفید را به کفن تشبیه کرد و گفت: پدرم در این نبرد کشته می‌شود. رسول خدا (ص) تأویل عایشه را بی‌اساس خواند و فرمود: «اسماء از ابوبکر فرزندی به نام محمد، به دنیا می‌آورد که دشمن کافران و منافقان خواهد بود». (۱)

نقل شده است که محمد، نجابت را از مادرش اسماء به ارث برده بود. او در محاصره خانه عثمان شرکت کرد و بنا بر روایتی با امیرالمؤمنین (ع) نیز بر بیزاری جستن از ابوبکر بیعت نمود. (۲) وی همچنین در نبرد جمل و صفین همراه امام‌علی (ع) بود و به فرمان ایشان حاکم مصر شد. سرانجام «معاویة بن خدیج» محمد ابن ابی‌بکر را در سال ۳۸ ه. ق، به دستور عمرو بن عاص به شهادت رساند. (۳) اسماء هنگام بیماری رسول خدا (ص) بر اساس دانشی که از حبشه آموخته بود، معجونی (مرکب از عود هندی، ورس و چند قطره روغن زیتون) درست کرد و به اطراف دهان ایشان مالید. رسول خدا (ص)

۱- الغارات، ثقفی کوفی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- الاختصاص، شیخ مفید ص ۷۰.

۳- الغارات، ج ۲، صص ۷۵۷ و ۷۵۸.

ص: ۳۴

فرمود: «اسماء این طبابت را در حبشه آموخته است، ولی خداوند من را به بیماری «ذات الجنب»؛ «پهلوی درد» گرفتار نمی‌کند». (۱)

اسماء در جاهلیت نیز با طب آشنا بود. شاهد بر این ادعا این است که رسول خدا (ص) از وی درباره داروی مُسهل در جاهلیت پرسید. او گفت: این دارو از گیاهی به نام «شبرم» گرفته می‌شد. آن حضرت فرمود: «طبیعتی گرم دارد». اسماء افزود: از گیاهی به نام سِنا نیز گرفته می‌شد. حضرت فرمود: «اگر مرگ درمان‌پذیر بود، سِنا داروی آن بود؛ سِنا داروی شفابخشی برای مرگ است». (۲)

۱- طبقات الکبری، ج ۴، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۲- المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۵، ص ۴۲۴؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۶۹.

اسماء در عصر خلافت

پس از رسول خدا (ص) ابوبکر به خلافت رسید. روزی «یَعْلَى بن مُثَنَّى» کارگزار او در یمن، دست دزدی را برید. آن دزد بعد از مدّتی، مهمان ابوبکر شد. او پیوسته شب‌ها به عبادت می‌پرداخت، روزها روزه می‌گرفت و بریدن دستش را ظلمی از جانب یَعْلَى می‌دانست. ابوبکر، حیران از آن دزدی و این گونه عبادت او بود که آن دزد، گردن‌بند اسماء (همسر خلیفه) را نیز دزدید و گریخت. با این عمل، خلیفه دستور داد دستِ دیگر یا به روایتی پای او را نیز ببرند.

این فتوا و عمل ابوبکر، در فقه اسلامی مبنای فتوای گروهی (۱) قرار گرفته است و گروهی نیز آن را خطا دانسته، قطع دست را در مرتبه دوم مخالف نظر همه فقهای اسلامی پنداشته‌اند. (۲)

۱- ر. ک: الموطأ، مالک بن انس، ج ۲، ص ۸۳۶؛ الام، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲- ر. ک: الايضاح، فضل بن شاذان، ص ۱۷۸.

ص: ۳۷

گرایش‌های عقیدتی و اجتماعی اسماء

موضع عقیدتی، سیاسی و اجتماعی اسماء و گرایش او به اهل بیت (علیهم السلام) را (در عصر خلافت ابوبکر) می‌توان از مجموع اخباری به شرح زیر به دست آورد:

عبدالله پسر عمرو بن عاص، ارتباط و ملاقات بنی‌هاشم با اسماء را اندکی پس از ازدواج وی با ابوبکر روایت کرده و افزوده است که ابوبکر از این ملاقات ناراحت شد و نزد رسول خدا (ص) شکایت برد. اما رسول خدا (ص) اسماء را تبرئه کرد و اعلام نمود: «از این پس، دو نامحرم در خلوت با هم سخن نگویند».^(۱)

البته عمرو بن عاص نیز با اسماء - هنگامی که همسر

۱- مسند احمد، ج ۲، ص ۱۸۶.

ص: ۳۸

امام علی (ع) بوده - گفت و گوهایی داشته است. (۱) گرچه موضوع این گفت و گوها محرمانه باقی مانده و از آن اطلاعی به دست نیامد است، اما می‌تواند بیانگر جهت‌دهی‌های فکری - سیاسی جامعه آن روز باشد.

مردم پس از رحلت رسول خدا (ص) دو دسته شدند: عده‌ای رحلت ایشان را تأیید و عده‌ای انکار می‌کردند. افرادی مانند عمر بن خطاب اصرار داشتند که پیامبر (ص) رحلت نکرده و به آسمان رفته است. آنها حتی مخالفان نظر خود را به قطع دست و زبان تهدید می‌کرد. در این میان اسماء با دست‌نهادن بر شانه آن حضرت گفت: رسول خدا (ص) رحلت کرده و مُهر نبوت از دوش ایشان برداشته شده است. (۲) اسماء «همسر ابوبکر» گفت و گوهایی او و عمر را درباره قتل امیرالمؤمنین (ع) و ضمانت خالد بن ولید را بر انجام آن شنید و به کنیزش فرمان داد تا به گونه‌ای امام (ع) را از تصمیم آنان آگاه کند. هنگامی که کنیز خبر اسماء را رساند، امام (ع) فرمود: «پس چه کسی

۱- المصنف، ج ۳، ص ۴۶۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۹۷.

۲- طبقات الکبری، ج ۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۸.

ص: ۳۹

باید با ناکثین، قاسطین و مارقین نبرد کند؟» (۱) متن توافق‌نامه اصحاب سقیفه درباره کشتن مخالفان، در منابع قدیمی یافت نشد، ولی دیلمی آن را با حذف سند، از اسماء بیان کرده است. (۲) اسماء همچنین فدک را برای فاطمه (س) گواهی کرد، اما عمر گواهی وی را نپذیرفت و گفت:

او از طرفی همسر جعفر بوده و از طرف دیگر خدمتکار فاطمه (س) است. از این رو گواهی وی جانبدارانه و به نفع بنی‌هاشم است. (۳) اسماء شاهد آخرین لحظات زندگانی فاطمه (س) بوده است. وی، امام‌حسن (ع) و امام‌حسین (ع) را از شهادت مادرشان با خبر کرد (۴) و طبق وصیت فاطمه (س)، در غسل ایشان با امام‌علی (ع) همکاری نمود. او زنان بسیاری را مانند ام‌عطیه، ام‌کلثوم دختر رسول‌خدا (ص) و صیغیه دختر عبدالْمُطَّلِب غسل داده است. (۵) برخی از جمله ابن‌فتحون، با ایراد شبهاتی، همکاری اسماء را در غسل فاطمه (س) نپذیرفته‌اند.

- ۱- المسترشد، طبری، ص ۴۵۱.
- ۲- ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۳۳۴.
- ۳- بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۹، ص ۱۹۷.
- ۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۲.
- ۵- طبقات الکبری، ج ۸، صص ۳۱ و ۲۲۰.

ص: ۴۰

اما ابن حجر (۱)، ابن حزم (۲) و جوزقانی «(۳)» این تردیدها را رد کرده‌اند.

اسماء فرهنگ حمل جنازه زنان را با تابوت، از حبشه به مدینه منتقل کرد. به کارگیری تابوت را در مدینه در سال نهم هجری برای حمل جنازه ام‌کلثوم دختر رسول گرامی اسلام (ص) (۴) و به روایتی در زمان عمر بن خطاب، برای حمل جنازه زینب دختر جحش گفته‌اند (۵)، ولی بنا بر روایت ابن عباس، اولین جنازه‌ای که با تابوت حمل شد، جنازه فاطمه (س) بود. (۶) «یعقوبی» می‌گوید: اسماء خدمتگزار و پرستار فاطمه (س) بود. حضرت به وی گفت: آیا آشکارا روی تخته‌ای حمل خواهیم شد؟ اسماء گفت: ای دختر رسول خدا (ص)

۱- التلخیص، ابن حجر، ج ۵، ص ۲۷۴ و ر. ک: الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۶.

۲- المحلی، ابن حزم، ج ۵، ص ۱۷۵؛ ر. ک: الذریة الطاهرة النبویه، دولابی، ص ۱۱۳؛ دعائم الاسلام، قاضی نعمان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳- الاباطیل و المناکیر، جوزقانی، ص ۲۱۱.

۴- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۱.

۵- ابن قتیبه، المعارف، ص ۵۵۵؛ انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۴۳۳.

۶- طبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۳ و ۲۲۰.

ص: ۴۱

چیزی مانند آنچه در حبشه دیده‌ام، برای می‌سازم. اسماء با استفاده از چوب‌های خرمای تازه و تخته‌ای که در اختیار داشت، تابوتی ساخت. حضرت با دیدن آن لبخندی زد و جز آن روز با لبخند دیده نشد. (۱) در روایت دولابی، این نکته نیز اضافه شده است که فاطمه (س) به اسماء فرمان داد تا وی را غسل دهد و به سایر افراد اجازه ورود ندهد. عایشه، پس از رحلت فاطمه (س)، قصد ورود به منزل ایشان را داشت که با مخالفت اسماء روبه‌رو شد. عایشه نیز شکایت نزد پدرش برد و گفت: «اسماء برای فاطمه (س) تابوتی مثل هودج عروس ساخته و از ورود من به منزل ایشان جلوگیری می‌کند». ابوبکر از اسماء توضیح خواست و اسماء گفت: «این کار به دستور حضرت بوده و من نیز به فرمان ایشان مشغول ساختن تابوت هستم». امام علی (ع) و اسماء، پس از بازگشت ابوبکر، فاطمه (س) را غسل دادند. (۲) اسماء همچنان عشق و خدمت خود را به خاندان پیامبر (ص) ایثار می‌کرد، در حالی که در خانه ابوبکر بود و به وظایف همسری‌اش اهتمام می‌رزید. روزی که ابوبکر بیمار شد، قیس بن ابی‌حازم به همراه پدرش، به

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲- الذریة الطاهرة النبویة، ص ۱۱۲.

ص: ۴۲

عیادت ابوبکر رفت و در آنجا اسماء را زنی سفیدچهره با دستان خالکوبی شده دید. (۱) ابوبکر با وجود دیگر همسرانش، وصیت کرد اسماء وی را غسل دهد، اما او نپذیرفت و چنین دلیل آورد که تاب و توان این کار را ندارم! ابوبکر گفت: «در صورت نیاز از عبدالرحمان پسرش کمک بخواهد و اسماء را سوگند داد در صورت روزه بودن، افطار کند تا کارش را بهتر انجام دهد». (۲) اسماء وی را در بامداد روز سردی غسل داد و پس از پایان کار، از عثمان پرسید: «در این هوای سرد، غسل (مس میت) بر من واجب است؟» عثمان گفت: «نه». عُمر بن خطاب نیز پاسخ وی را شنید، ولی چیزی در رد آن نگفت. اسماء در پایان همان روز سوگند ابوبکر را به یاد آورد و آبی نوشید تا روزه (مستحبی) اش را باز کرده باشد. (۳) آن گاه ابوبکر را در دو یا سه پارچه کفن کرد و عُمر بر او نماز خواند و او را شبانه کنار قبر رسول خدا (ص) دفن کردند. (۴) پس از آنکه عُمر بن خطاب به خلافت رسید،

۱- المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۳۱.

۲- طبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.

۳- همان.

۴- همان، ج ۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۷.

ص: ۴۳

برای اسماء دختر عُمَیس و اسماء دختر ابوبکر که از زنان مهاجر بودند، هزار درهم حقوق مستمری قرار داد. (۱) اسماء پس از شهادت جعفر، به تربیت فرزندانش پرداخت و آنان را برای جهاد در راه خدا تربیت کرد. عبدالله همین که فقدان پدر را احساس کرد، سرنوشت او را از مادرش جویا شد. اسماء جواب داد: «رومیان او را کشتند». این جواب چنان در روح او تأثیر گذارد که پیوسته در آرزوی مبارزه با روم بود. موی صورتش اندکی روییده بود که برای نبرد با روم به سپاه ابوعبیده در شام پیوست و فرماندهی لشکری را به استعداد ۵۰۰ سواره که مشتمل بر برخی صحابه بدری و افرادی مانند ابوذر بود را بر عهده گرفت تا دیر ابی‌قدس را فتح کند. (۲) در همین دوره اسماء دو فرزندش محمد و عَون را نیز به میادین جنگ فرستاد، که در جریان فتح شوشتر به شهادت رسیدند. (۳) دختر عمیس افزون بر آگاهی از علم طب و صنایع دستی مانند چرم‌سازی، در دانش تعبیر خواب نیز

۱- طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲- فتوح الشام، واقدی، ج ۱، ص ۹۹.

۳- الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۴۷.

ص: ۴۴

موقعیت بالایی یافت و مرجع مردم شد. عُمر در خطبه‌ای به آگاهی مردم رساند که در خواب خروس قرمز رنگی را دیده که به او نوک می‌زند و اسماء آن را به کشته شدن وی به دست مردی از عجم تأویل کرده است. چند روزی بیش نگذشت که این تعبیر به واقعیت پیوست و عمر به دست فیروز زخمی شد. (۱) گویا تعبیر «دیک احمر»؛ «خروس قرمز» به مردی از عجم، برگرفته از این باشد که عرب، ایرانی (فرس) را «بنواحمر» و رومی را «بنواصفر» و حبشی را «بنواسود» می‌نامید.

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵؛ طبقات الکبری، ج ۳، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

ازدواج با امام علی (ع)

اسماء پس از ابوبکر با امام علی (ص) ازدواج کرد و از ایشان یحیی و عون را به دنیا آورد. (۱) ابن عبدالبر در این که عون فرزند امام (ع) از اسماء باشد تردید جدی دارد و می‌گوید: کسی جز ابن کلبی این سخن را نگفته است. (۲) بنابر برخی روایات، امام علی (ع) مردان را به ازدواج با زنانی تشویق کرده است که برای همسران خود آغوشی گرم داشته باشند و این نوع زنان را بهترین زنان جهان معرفی کرده و ویژگی ذکر شده را از خصوصیات همسر خود، اسماء بنت عمیس دانسته است. (۳) این گونه روایات در منابع شیعی جز

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۲.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۵.

۳- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۳؛ الفائق فی غریب الحدیث، زمخشری، ص ۲۴۰؛ النهایه، ج ۱، ص ۳۷۱.

ص: ۴۶

مجمع‌البحرین (۱) یافت نشده و سند روایت اخیر گرچه در منابع اهل سنت (۲) صحیح شمرده شده، قابل بررسی است. اسماء در وصف دنیاگریزی و خویشتن‌داری امام علی (ع) روایت کرده است که از حضرت پرسیدند چرا با دختر رسول خدا (ص) ازدواج نمی‌کنی؟ در پاسخ فرمود: پولی ندارم و متهم به شرّ و بدی نیستم (بدون ازدواج به حرام مبتلا نمی‌شوم). (۳)

وقتی اسماء در سال ۳۸ ه. ق، از شهادت فرزندش محمد بن ابی‌بکر خیر یافت، به مصلاهی خانه‌اش رفت و چنان خشم خود را فروخورد که خون از سینه‌هایش جاری شد. (۴) او هنوز در غم فراغ فرزندش می‌سوخت که خبر شهادت امیرالمؤمنین (ع) را نیز دریافت کرد.

۱- مجمع‌البحرین، طریحی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳- النهایه، ج ۱، ص ۱۴.

۴- الغارات، ج ۱، ص ۲۸۷.

ص: ۴۷

وفات

اسماء پس از این وقایع تلخ، در شوق ملاقات شوهران و فرزندان شهیدش بی تاب شد و در حالی از دنیا پرکشید که همسری دو شهید و مادری سه شهید را در کارنامه پرافتخار زندگانی خویش ثبت نمود. درباره زمان درگذشت و مکان دفن اسماء ابهامات زیادی وجود دارد. ذهبی (۱) درگذشت او را پس از شهادت امام علی (ع) در رمضان سال ۴۰ ه. ق و برخی دیگر در سال ۳۸ ه. ق می‌دانند. (۲) امروزه صورت قبری به نام اسماء در قبرستان باب‌الصغیر دمشق وجود دارد. همچنین آرامگاهی در حومه هاشمیه عراق به او منسوب است و در نزدیکی آن، قبر فرزندش یحیی از نسل امام علی (ع) وجود دارد.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲- ر. ک: مکاتیب الرسول، احمدی میانجی، ج ۱، ص ۴۴۱.

نقش فرهنگی سیاسی اسما

اسماء از زنان محدثه و راویان اخبار نبوی (ص) است که با نقل ۶۰ روایت، نقش مهمی در حوزه فکر و فرهنگ جامعه ایفا نموده است. به گفته عجاج (متوفای حدود ۹۰ ه. ق)، او در دوره منع تدوین حدیث، برخی احادیث را جمع‌آوری کرد و به تصریح یعقوبی (۱)، کتاب روایی داشت. مامقانی (۲) به استناد این که امام صادق (ع) در حق اسماء دعا کرده، وی را ثقه دانسته است. از مردان، ابوموسی اشعری، سعید بن مسیب، عبدالله بن جعفر (فرزند وی)، عبدالله بن شَدَّاد، عبدالله بن عباس، عروه بن زبیر، عمر بن خطاب، قاسم بن محمد (نوه اسماء)، مجاهد و از زنان زینب

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۲ و ر. ک: مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۴۱.

۲- تنقیح المقال، مامقانی، ج ۳، ص ۶۹.

ص: ۵۰

دختر امام علی (ع)، فاطمه دختر امام حسین (ع) و نوادگان اسماء امّ جعفر و امّ عَوْن (دخترانِ محمد بن جعفر) از اسماء روایت کرده‌اند. اسماء با بیان روایتی عوامل انحراف اخلاقی انسان‌ها را در جامعه بیان کرده و می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود:

بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ تَجَبُّرٌ وَاعْتَدَى وَنَسِيَ الْجَبَّارَ الْأَعْلَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ بَخِلٌ وَاخْتَالَ وَنَسِيَ الْكَبِيرَ الْمُتَعَالِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ لَهَا وَسِرِّهَا وَنَسِيَ الْمَبْدَأَ وَالْمُنْتَهَى، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ بَغَى وَعَتَا وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَاءَ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدُّنْيَا بِالْدِّينِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَخْتَلُ الدِّينَ بِالشُّبُهَاتِ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يُذِلُّهُ الرِّغْبُ وَيُزِيلُهُ عَنِ الْحَقِّ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ طَمَعَ يَقُودَهُ، بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ لَهُ هَوَى يُضِلُّهُ. (۱) چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که بیداد ورزد و سرکشی کند و خدای صاحب جبروت و بلندمرتبه را فراموش کند. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که بخل ورزد و کبر و غرور داشته باشد و خدای بزرگ متعال را فراموش کند. چه بد بنده‌ای است

۱- المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۵۶.

ص: ۵۱

بنده‌ای که پیدایش و پایان خود را فراموش کند. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که سرکشی و ستم کند و قبور و بلاها را فراموش کند. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که دنیای او به دینش آسیب برساند. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که دین او با شبهات خلل پذیرد. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که خواسته‌های او، وی را ذلیل و از حق دور سازد. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که طمعش او را به هر سوی بکشد. چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که هوایش او را گمراه سازد.

در این روایت، گردنکشی، ستمگری و فراموشی این واقعیت که خداوند جبار اعلی است؛ بخل، تکبر و فراموشی این حقیقت که کبریایی و برتری جز برای خدا نیست؛ غفلت، اشتغال به لهو و لعب و از یادبردن آغاز و فرجام؛ عصیان‌گری، بزرگ‌دیدن خود، از یادبردن مرگ و پراکنندگی اعضا؛ دین را ابزار دنیا قرار دادن و تباه کردن دین با تمسک به شبهات و تفسیرهای بی‌پایه؛ دنیاطلبی، طمع ورزی و هواخواهی، از عوامل اصلی انحراف انسان شمرده شده است.

اسماء می‌گوید: «رسول‌خدا (ص) بدبختی مرد را در

ص: ۵۲

دنیا در سه چیز خلاصه کرد: خانه بد، زن بد و مرکب بد».

آن‌گاه با درخواست اسما توضیح داد که خانه بد، فضایی کوچک و همسایگانی فرومایه دارد؛ مرکب بد، نه به صاحبش سواری می‌دهد و نه راهوار است و زن بد، نازا و بد اخلاق است. (۱) بنابر روایت سعید بن مسیب، اسما از رسول خدا (ص) شنید که فرمود: «اگر کسی بر سختی‌ها و مرارت‌های شهر مدینه صبر کند، من در قیامت شفیع و گواه او خواهم بود». (۲) گفتنی است آب و هوای مدینه برای برخی اعراب قابل تحمل نبود و آنان را از هجرت به مدینه و اقامت در آن شهر بازمی‌داشت. (۳) این سخن تا پیش از فتح مکه - که هنوز فرمان هجرت لغو نشده بود، برای حکومت تازه تأسیس مدینه، بسیار با اهمیت بود و در زمان‌های بعد نیز مستند حکم فقهی استحباب اقامت در مدینه شد. (۴) همچنین اسما با نقل روایتی از پیامبر اسلام (ص)،

۱- همان، ص ۱۵۳.

۲- مسند احمد، ج ۶، ص ۳۷۰.

۳- رک: عمدة القاری، عینی، ج ۹، ص ۱۵.

۴- رک: الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، شهید اول، ج ۲، ص ۲۱.

ص: ۵۳

حکم فقهی استحاضه و فرق آن را با حیض بیان کرده است. (۱) روایات زیر نشان می‌دهد که بیشترین تلاش اسما به هنگام بروز اختلاف در میان صحابه، نقل فضایل امیرالمؤمنین (ع) و تبیین جایگاه ایشان نزد رسول خدا (ص) بوده است تا از این راه گرایش‌های فکری و سیاسی جامعه را پس از رحلت رسول خدا (ص) به سوی خاندان رسالت سوق دهد. اکنون به چند نمونه از این روایت‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) حدیث برادری و وزارت از جمله این روایات است که می‌گوید: در حجة‌الوداع رسول خدا (ص) فرمود: «اللَّهُمَّ ... اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِی عَلَيًّا أَخِي ...». (۲) ب) در باب حدیث منزلت، اسما چنین روایت کرده است: رسول خدا (ص) عازم تبوک بود و امام علی (ع) ایشان را تا ثنیة‌الوداع همراهی کرد و از این که نمی‌توانست در تبوک ایشان را یاری کند، گریست. پیامبر (ص) خطاب به او فرمود: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ أُمَّتًا

۱- المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۱۴۰.

۲- الغارات، ج ۱، ص ۳۰۳ و ۳۴۸ و ۳۵۲؛ شرح الأخبار، قاضی نعمان، ج ۱، ص ۱۹۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۲

ص: ۵۴

مَنْ مَنَزَلَهُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى أَلَا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (لَيْسَ مِنْ بَعْدِي نَبِيٌّ). (۱) ج) حدیث «رَدِّ شَمْسٍ» از اسما در منابع شیعی (۲) و سنی (۳) نقل شده و با وجود تفاوت و تعارض در برخی موارد، همه اتفاق نظر دارند که اسما شاهد این ماجرا بوده است که با دعای رسول خدا (ص)، خورشید پس از غروب کردن دوباره بازگشت تا امام علی (ع) بتواند نماز قضا شده خود را در داخل وقت بخواند.

اما بر اساس روایت کلینی (۴)، اسما شاهد این واقعه نبوده، بلکه پس از ازدواج با امام علی (ع) همراه حضرت در محل واقعه حضور یافته و داستان بازگشت خورشید را از زبان ایشان شنیده و پس از شهادت حضرت، آن را با گریه و اندوه برای عبدالله بن جعفر و برادرانش بازگو کرده است.

بیشتر منابع، این حادثه را پس از فتح خیبر و در مسیر بازگشت به مدینه در منطقه «صَهْبَاء» نقل

۱- مسند احمد، ج ۶، ص ۳۶۹؛ الغارات، ج ۱، ص ۵۰۳؛ خصائص امیرالمؤمنین، نسایی، ص ۸۵.

۲- الغارات، ج ۲، ص ۵۱۸؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۴۵.

۳- المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۶۲.

ص: ۵۵

کرده‌اند. در این صورت حضور اسماء در این رخداد و نقل مستقیم حادثه از زبان خود او مشکلی نخواهد داشت. راوندی زمان این واقعه را پس از نبرد حنین دانسته که صحیح به نظر نمی‌رسد. اما چنانچه به گفته برخی (۱) این حادثه در جریان غزوه بنونضیر و در سال چهارم هجری رخ داده باشد، اسماء به دلیل حضور در حبشه شاهد ماجرا نبوده است و روایت کلینی با واقع سازگار خواهد بود.

با وجود فراوانی این روایت در منابع فریقین، برخی در سند یا محتوای این حدیث خدشه وارد کرده‌اند. (۲) محمودی، در دفاع و اثبات این حادثه، رساله مستقلی به نام «رسائل فی حدیث ردّالشمس» نوشته است. امروزه مسجد «فضیخ» به مسجدشمس یا مسجد ردّالشمس معروف است.

(د) امام کاظم (ع) از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی‌اش از اسماء دختر عمّیس در تفسیر

۱- رک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، ص ۲۶۴.

۲- الموضوعات، ابن جوزی، ج ۱، صص ۱۵ و ۳۵۶؛ البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۶، صص ۸۹ و ۳۱۴. مقایسه شود با رسائل، شریف مرتضی، ج ۱، ص ۲۷۴.

ص: ۵۶

«صالح المؤمنین» (۱) روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: «صالح المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است». (۲) ه) زید فرزند امام سجاد (ع) از پدرش، و ایشان از حضرت زینب (س) و او از اسماء روایتی درباره سخاوت و برخورد کریمانه امیرالمؤمنین (ع) با پدر، مادر و بردارش عقیل نقل کرده و به گفته ام‌هانی، بخشنده‌گی، ویژگی آن حضرت از کودکی تا شهادت بوده است. (۳) و مطابق سند روایت قبلی از اسماء روایت شده که او شاهد تولد یکی از فرزندان فاطمه (س) بود و چون خون نفاس را در آن حضرت ندید، از رسول خدا (ص) سبب آن را پرسید. پیامبر در وصف فاطمه (س) فرمود: «او حوریهٔ انسیه است». (۴) قبلاً گفته شد که اسماء در زمان تولد فرزندان فاطمه (س) در حبشه بوده است، از این رو، راوی این خبر نمی‌تواند اسماء دختر عمیس باشد و به دلیل تشابه سند این خبر با خبر پیشین، به نظر می‌رسد

۱- تحریم: ۴.

۲- فضائل امیرالمؤمنین، ابن عقده، ص ۲۱۸؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۹.

۳- الغارات، ج ۲، ص ۶۹.

۴- دلائل الامامه، طبری، ص ۱۴۸.

ص: ۵۷

اسماء در روایت قبلی نیز دختر عمیس نباشد. مشکل ذکر شده در این خبر نیز وجود دارد که اسماء برای امام سجاد (ع) روایت کرد: فاطمه (س) گردن‌بند طلائی به گردن داشت که آن را امام علی (ع) از پول غنیمت خریده بود. اسماء نزد فاطمه (س) بود که رسول خدا (ص) بر آنان وارد شد و فرمود:

مردم نگیند دختر محمد (ص) لباس ستمگران را پوشیده است. سپس فاطمه (س) آن را فروخت و با پولش بنده‌ای خرید و آزاد کرد و بدین ترتیب رسول خدا (ص) خشنود شد. (۱) اسماء با نقل روایتی از فاطمه (س)، وضعیت معیشتی خانه امام علی (ع) را در عصر نبوی ترسیم کرده است. (۲) زُهری روایتی از اسماء در باب فتنه‌های آخرالزمان و علائم ظهور مهدی (عج) نیز نقل کرده است. او می‌گوید: «هنگام رویارویی سفیانی و مهدی (عج) این ندا از آسمان شنیده خواهد شد که: آگاه باشید اولیای خدا اصحاب فلانند یعنی مهدی». اسماء بنت عمیس گوید: «علامت آن این است که کف دستی از آسمان ظاهر می‌شود و مردم به آن نگاه می‌کنند». (۳)

۱- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۹. این خبر از امام رضا، از پدرانیش از امام سجاد: روایت گردیده و در خبری دیگر با همین سند، نقش اسماء در تولد امام حسن ع و امام حسین ع بیان شده است.

۲- الطبقات الکبری، ج ۲۲، ص ۴۲۲.

۳- الفتن، مروزی، ص ۲۰۹؛ الملا-حم، ابن طاووس، ص ۱۳۳. نگاه شود به نقد روایت: موسوعه فی احادیث المهدی، عبدالعلیم البستوی، ص ۱۶۷.

ص: ۵۹

کتابنامه

۱. الأباطیل و المناکیر و الصحاح و المشاهیر، حسین بن ابراهیم جوزقانی، تحقیق: کمال عبدالله، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ه. ق.
۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۵ ه. ش.
۳. الاختصاص، محمد بن محمد العکبری البغدادی (شیخ مفید)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین.
۴. ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۷ ه. ق.
۵. الارشاد، محمد بن محمد العکبری البغدادی (شیخ مفید)، قم، مؤسسه آل البيت.
۶. أسباب النزول، علی واحدی نیشابوری، قاهره، مؤسسه الحلبي، ۱۳۸۸ ه. ق.
۷. الاستيعاب، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجيل، ۱۴۱۲ ه. ق.
۸. اسد الغابه، علی بن محمد بن اثیر، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.
- ۹.

ص: ۶۰

الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۱۰. الأم، محمد بن ادریس شافعی، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۱. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ. ق.

۱۲. الايضاح، فضل بن شاذان نیشابوری، تحقیق: سید جلال‌الدین حسینی ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ هـ. ش.

۱۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۴. البحر الرائق، ابن نجیم مصری، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ هـ. ق.

۱۵. البدایه و النهایه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۱۶. تاج العروس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تحقیق: حسین نصّار، بیروت، دارالهدایه، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۱۷. تاریخ المدینه المنوره، عمر بن شبه نمیری، تحقیق: حبیب محمود احمد، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۸. تاریخ، ابن واضح یعقوبی، بیروت، دارصادر.

۱۹. تفسیر، مقاتل بن سلیمان، تحقیق: احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ هـ. ق.

۲۰. التلخیص الحبیر فی تخریج الرافعی الکبیر، احمد بن علی بن حجر (ابن حجر)، بیروت، دارالفکر.

۲۱. التنبیه و الاشراف، علی بن الحسین مسعودی، بیروت، دار صعب، بی تا.

۲۲

ص: ۶۱

- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، نجف، المرتضویه، ۱۳۵۲ ه. ق.
۲۳. الثقات، محمد بن حبان، حیدر آباد هند، مؤسسه الکتب الثقافه، ۱۳۹۳ ه. ق.
۲۴. جامع البیان، محمد بن جریر الطبری، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.
۲۵. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.
۲۶. خصائص امیر المؤمنین (ع)، احمد بن شعیب نسائی، تحقیق: محمد هادی امینی، طهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
۲۷. خصال، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین.
۲۸. الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، محمد بن مکی العاملی (شهید اول)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۹. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد قاضی نعمان، تحقیق: آصف بن علی و اصغر فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ه. ق.
۳۰. دلائل الامامه، محمد بن جریر الطبری (الشیعی)، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ه. ق.
۳۱. الذریه الطاهره النبویه، محمد بن احمد دولابی، تحقیق: سعد المبارک الحسن، کویت: الدار السلفیه، ۱۴۰۷ ه. ق.
۳۲. رسائل فی حدیث رد الشمس، محمد باقر محمودی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۹ ه. ق.
۳۳. رسائل، علی بن الحسین شریف مرتضی، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، دارالقرآن، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۳۴.

ص: ۶۲

- سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: شعيب الارنؤوط و حسين الاسد، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ ه. ق.
۳۵. السيرة الحلبیه، علی بن برهان الدین حلبی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ه. ق.
۳۶. شرح احقاق الحق، شهاب الدین نجفی مرعشی، تحقیق: محمود مرعشی، قم، منشورات مکتبه المرعشی، ۱۴۱۵ ه. ق.
۳۷. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، نعمان بن محمد قاضی نعمان، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۸. الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)، سیدجعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۵ ه. ق.
۳۹. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.
۴۰. الطوائف فی معرفه مذاهب الطوائف، علی بن موسی بن طاووس، قم، مطبعه الخيام.
۴۱. عمده القاری فی شرح صحیح بخاری، بدرالدین محمود عینی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۲. عیون اخبار الرضا (ع)، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴۳. الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، تحقیق: سید جلال الدین المحدث، چاپخانه بهمن.
۴۴. الفائق فی غریب الحدیث، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۴۵.

ص: ۶۳

الفاصل، محمد بن یزید مبرّد، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۴۲۱ ه. ق.

۴۶. فتح الغدير، محمد بن علی شوکانی، دار الکتب.

۴۷. الفتن، نعیم بن حماد مروزی، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.

۴۸. فتوح الشام، محمد بن عمر واقدی، بیروت، دارالجيل.

۴۹. فضایل امیرالمؤمنین (ع)، ابوالعباس احمد بن عقده، جمع آوری: عبدالرزاق محمد حسین حرز الدین، انتشارات دلیل، ۱۴۲۱ ه. ق.

۵۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ش.

۵۱. كشف الغمّة فی معرفة الأئمّه، علی بن عیسیٰ اربلی، بیروت، دار الأضواء.

۵۲. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تحقیق: سید احمد حسینی، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۳. مجمع البیان، علی بن فضل طبرسی، تحقیق: گروهی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هيثمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۵. المجموع فی شرح المهذب، محی الدین بن شرف نووی، بیروت، دارالفکر.

۵۶. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۵۷. المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، تصحیح: سید کسروی، قاهره، دارالغد العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.

۵۸

ص: ۶۴

- المحلی، علی بن احمد بن حزم اندلسی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر.
۵۹. المدونۃ الكبرى، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۲۳ ه. ق.
۶۰. المسترشد فی الامامه، محمد بن جریر طبری، تحقیق: احمد محمود، قم، مؤسسۃ الثقافۃ الاسلامیه.
۶۱. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.
۶۲. المصنف، ابن همام عبدالرزاق صنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، المجلس العلمی.
۶۳. المصنف، ابن ابی شیبہ، تحقیق: سعید محمد اللحاء، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ه. ق.
۶۴. المعارف، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشه، مصر، دارالفکر.
۶۵. معجم احادیث الامام المهدي (عج)، علی کورانی، قم، مؤسسۃ المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه. ق.
۶۶. معجم الادباء، ابو عبدالله بن عبدالله یاقوت حموی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۶۷. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبۃ ابن تیمیۃ.
۶۸. معجم قبائل العرب القديمة و الحديثه، عمر رضا کحّاله، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۸۸ ه. ق.
۶۹. معجم ما استعجم، عبدالله بن عبدالعزيز بکری، تحقیق: مصطفی سقا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ه. ق.
۷۰. المغنی، عبدالله بن قدامه، تحقیق: گروهی، بیروت، دار الکتب العربی.
- ۷۱.

ص: ۶۵

۷۲. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵ ه. ش.
۷۳. مکاتیب الرسول، علی احمدی میانجی، قم، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ه. ق.
۷۴. الملاحم و الفتن، علی بن موسی بن طاووس، اصفهان، مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ ه. ق.
۷۵. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۴ ه. ق.
۷۶. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف، مكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ه. ق.
۷۷. مناقب امیرالمؤمنین (ع)، محمد بن سلیمان کوفی، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۲ ه. ق.
۷۸. موسوعه فی احادیث المهدی، عبدالعلیم البستوی، مکه، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ ه. ق.
۷۹. الموضوعات، ابوالفرج بن جوزی تحقیق: عبدالرحمان محمد عثمان، مدینه، المكتبة السلفیه، ۱۳۸۶ ه. ق.
۸۰. الموطأ، مالک بن انس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۸۱. النهایة فی غریب الحدیث، مبارک بن محمد بن اثیر بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱. نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار، محمد بن علی شوکانی، بیروت، دارالجلیل، ۱۹۷۳ م.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

